

۱۵۰۹۱۱۳
شماره شصت و شش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نظریه حق

(جایگاه یونیک و انحصاری هر موجود در دستگاه خلقت و هر موضوع
در نظام معرفت حکمت بنیان)

سرشناسه : حسنی، شهروز، ۱۳۶۰ -
 عنوان و نام پدید آور : نظریه حق (جایگاه یونیک و انحصاری هر موجود در دستگاه
 خلقت و هر موضوع در نظام معرفت حکمت بنیان) شهروز حسنی.
 مشخصات نشر : تهران - شهروز حسنی ۱۳۹۶
 مشخصات ظاهری : رحلی ۲۴۰ صفحه ،
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۷۷۷۶-۹
 وضعیت فهرست نویسی : فیا.
 عنوان دیگر : حق و نظم و عدل و حسن از منظر دین اسلام
 موضوع : یکتایی حق و یکتایی جایگاه حق
 شناسنامه افزوده : استن تکامل جنبه های قرآن
 شناسنامه افزوده : حق (واژه) جنبه های قرآن
 رده بندی کنگره : ۱۳۰۰۵۷ - الف ۱۰۴/BP
 رده بندی دیویی : ۲۹۱/۱۵۹
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۱۳۷۰۵۹

نام کتاب : نظریه حق (جایگاه یونیک و انحصاری هر موجود در دستگاه خلقت و هر موضوع در نظام معرفت حکمت بنیان)

گردآوری و تالیف : شهروز حسنی

ناشر : مولف شهروز حسنی

ویراستار : ملیحه شاهسون

چاپ اول : ۱۳۹۶ تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی : ری

قیمت : ۱۰۰۰۰ تومان (بابت هزینه کاغذ و چاپ و توزیع) و صلوات بر محمد و آل محمد برای محتوا

آدرس : ری - خیابان ۲۴ متری جنب اداره پست پلاک ۱۳ طبقه ۱

تلفن : ۵۵۹۶۱۰۲۲

پست الکترونیک : HASANV947@MAILFA.COM

سایت اینترنتی : SHAKERIN313.IR

هر گونه بهره برداری و نشر ، با نیت فی سبیل الله ، آزاد و مورد منت است به برکت صلوات بر محمد و آل محمد .

۱۴	ابطال داروینیسیم و اثبات نظریه حق (جایگاه یونیک و انحصاری هر موجود در دستگاه خلقت)
۱۴	مقدمه
۱۴	حق و مشتقاتش در کلام الله
۴۱	بطل (بطلان) در کلام الله
۴۳	باطل در کلام الله
۴۵	منام در کلام الله
۴۶	تعریف حق در دانش نامه ویکی پدیا
۴۸	تعریف حق در دانشنامه آزاد ویکی پدیا (۳)
۵۰	بررسی کلمه جایگاه در لغت نامه دهخدا
۵۳	بررسی جایگاه به معنای مقام
۵۶	تقسیم بندی مفاهیم عالم به خلق و جعل
۵۶	تقابل داروینیسیم و نظریه حق (جایگاه یونیک و انحصاری هر موجود در دستگاه خلقت) در جمادات
۵۷	نظریه حق و ثابت بودن جمادات در عالم خلق
۵۷	منطق پردازش این نظریه
۵۷	نتایجی که این نظریه به تبع دارد
۵۸	نظریه حق و منطق حد وسط ارسطویی (تابع نرمال)
۵۸	نظریه حق (جایگاه ..) و منطق توحیدی حق و باطل
۵۹	نظریه حق و بررسی مصنوعات بشری
۵۹	تقابل داروینیسیم و نظریه حق (جایگاه یونیک و انحصاری هر موجود در دستگاه خلقت) در حیوانات
۵۹	آزمایش ممنوعه زیانسانان
۶۰	نظریه داروین و بقای اصلح
۶۰	ابطال داروینیسیم اقتصادی
۶۰	ابطال داروینیسیم سیاسی
۶۱	نظریه حق و بررسی واکنش های فطری در همه انسها

۵	نظریه حق (جایگاه یونیک و انحصاری هر موجود در دستگاه خلقت و هر موضوع در نظام معرفت حکمت بنیان)
۶۱	نظریه حق و تقسیم شدن همه تصمیم ها و انتخابها و افراد به ۲ دسته کلی حق و باطل
۶۱	نظریه حق (جایگاه یونیک (یکتا) و انحصاری موجودات در دستگاه خلقت و موضوعات در عالم جبر)
۶۲	نظریه حق (جایگاه یونیک و انحصاری هر موجود در دستگاه خلقت) حکمت مضاف و تقسیم کثر
۶۲	نظریه حق (جایگاه یونیک و انحصاری هر موضوع در نظام معرفت) و حکمت مضاف دانش مدیریت
۶۳	نظریه حق و جایگاه (بوانا) در قرآن
۶۴	نظریه حق و تبدیل در قرآن (تبدیلی در کار نیست)
۶۵	علم حق، علم واقعی و یونیک و یکتاست
۶۶	نظریه حق و بررسی "ننوری"
۶۷	تذیحه مدلل آموزشی
۶۷	نظریه حق و نظم دستگاه ادراکی بشر
۶۹	نظریه حق و تابستگی و تابستگ
۶۹	نظریه حق و نقد داروینیسیم اجتماعی
۷۰	نظریه حق و کاربرد در علوم اجتماعی
۷۰	نظریه حق و سلسله مراتب، نظام اجتماعی
۷۱	نظریه حق و ایه امر الله
۷۱	وای امر الاهی و والیان طاغوتی
۷۱	نظریه حق (جایگاه یونیک و انحصاری هر موجود در دستگاه خلقت) و مواضع خاص شیطان
۷۲	نظریه حق و بررسی سابقه برخی از تصمیمات سیاسی
۷۲	نظریه حق و موضوع علم حکومت داری
۷۳	نظریه حق و قوانین حکومتی
۷۵	قوانین یونیک و انحصاری منفک از کشفان و بهره برداران از آنها هستند
۷۵	قوانین دو دسته اند
۷۶	نظریه حق و تاثیر آن در گرایشات سیاسی رایج
۷۷	رویکرد کاربردی به نظریه حق (جایگاه یونیک و انحصاری هر موجود در دستگاه خلقت)
۷۷	معجزه و نظریه حق (جایگاه یونیک و انحصاری موجودات)
۷۹	نظریه حق و عدم کم یا زیاد بودن موجودات در نظام عالم
۷۹	نظریه حق و مرجع امور
۸۰	نظریه حق و بررسی یکنایی قوانین از حیث کارکرد
۸۱	نظریه حق و مسئله واقعی بشر
۸۱	نظریه حق و قانون عمل و عکس العمل

- ۸۱..... نظریه حق (جایگاه یونیک و انحصاری بدیده ها در دستگاه خلقت) و مقام مستقر یا مستودع.
- ۸۲..... جایگاه ثابت یا بلورال در سطح ایدئولوژیک.
- ۸۲..... نظریه حق (جایگاه یونیک و انحصاری موجودات در دستگاه خلقت) و ابطال نسبی گرایی منتج به تکثرگرایی.
- ۸۲..... نظریه حق و ابطال بلورالیزم (نسبی گرایی) در عالم خلق.
- ۸۳..... مرکز بر مگر (شناخت و اراده) کجا باید باشد.
- ۸۳..... ایده و مدل حق . مهمترین عامل ایجاد اتحاد جمعیت در منطقه و کشور است.
- ۸۳..... نظریه حق (جایگاه یونیک و ...) و بنوع.
- ۸۴..... نظریه حق و اصلاح مباحث جدلی.
- ۸۴..... نظریه حق و اختلاف سلیقه.
- ۸۵..... نظریه حق (جایگاه یونیک و انحصاری موجودات در دستگاه خلقت) و تابعیت انسان.
- ۸۵..... نظریه حق و هوای نفس انسان.
- ۸۶..... نظریه حق (جایگاه یونیک و انحصاری موجودات در دستگاه خلقت) و مفهوم استاندارد.
- ۸۶..... نظریه حق (جایگاه یونیک و ...) و تفاوت خلقت.
- ۸۶..... نظریه حق و بررسی نگاه توحیدی و لیبرالی به موضوع حق و تکلیف.
- ۸۷..... نظریه حق و رای اکثریت.
- ۸۸..... نظریه حق (جایگاه یونیک و ...) و نگاه سیستمی ذیل نگاه عراج عالم.
- ۸۸..... نظریه حق (...) و فرمول برنده شدن.
- ۸۹..... نظریه حق و نگاه به دستگاه خلقت.
- ۸۹..... نظریه حق و عالم خلق.
- ۹۰..... نظریه حق و اصلاح جامعه.
- ۹۰..... نظریه حق و امتحانات زندگی.
- ۹۰..... نظریه حق و اعتراضات مردمی.
- ۹۱..... نظریه حق و شخصیت رهبری.
- ۹۱..... مفهوم اصلی نظریه جایگاه انحصاری حق و تبعات آن.
- ۹۲..... تقسیم بندی آدمیا از حیث انگیزه.
- ۹۲..... نظریه حق و وظیفه انسان در جهان مادی (سخر در کلام الله) .
- ۹۵..... بررسی استحقاق (جایگاه) در حدیثی از پیامبر.
- ۹۵..... حق در هر جایگاهی . تنها و انحصارا یکتاست.
- ۹۵..... نظریه حق و روش عمل پیامبران.
- ۹۶..... حکمت مضاف نظریه حق (جایگاه یونیک و انحصاری هر موجود در دستگاه خلقت) و دستگاه قضا.

نظریه حق و محکمه های قضایی	۹۶
نظریه حق و حکم یکتا	۹۷
نظریه حق و قانون یکتا	۹۷
نظریه حق و قوانین جهانی	۹۷
نظریه حق و ماهیت قانون و قانونگذار	۹۸
نظریه حق و موضوع ظاهر و باطن واقعیت و مجاز صدق و کذب	۹۸
نظریه حق و خود سنی با حق بینی	۹۹
نظریه حق و بررسی واژه "رحیم"	۹۹
نظریه حق و موضوع امانت الهی	۹۹
نظریه حق و بررسی رفتارهای دوگانه انسانها	۱۰۰
نظریه حق و هدف خلقت	۱۰۰
نظریه حق و نظام جایگاهها در جهان "فلک در کلام الله"	۱۰۱
بررسی نظریه حق در عمل و نگاه کاربردی به آن	۱۰۱
نظریه یونیک (یکناهی) و انحصاری و موضوع محدودیت یک صدایی	۱۰۱
نظریه حق و عدم طراز	۱۰۲
نظریه حق و روالهای استاندارد طبیعی	۱۰۲
تقابل نظریه حق و نفع و ضرر	۱۰۲
نظریه حق و عدل و استاندارد دوگانه در سیاست	۱۰۳
نظریه حق و بررسی در حوزه سیاست خارجه	۱۰۳
نظریه حق و تقابل با حاکم ظالم	۱۰۴
نظریه حق و ویژگی مومن	۱۰۴
نظریه حق و معنای عبادت	۱۰۴
نظریه حق و وظیفه مدعیان ایمان	۱۰۵
نظریه حق و بررسی دروغ	۱۰۵
نظریه حق و مقام نقطه در معرفت	۱۰۵
نظریه حق و انقلاب فلسفی برگرداندن مرکز فهم به جایگاه درست خود	۱۰۶
نظریه حق و تفاوت نگاه حکمت و فلسفه در مورد حقیقت	۱۰۷
نظریه حق و رابطه مردم و حکومت	۱۰۷
نظریه حق و مبنای نظام سازی	۱۰۷
طرح سنجی نظر مردم یا نظر خدا	۱۰۷

۱۰۸	نظریه حق و مدن نظام سازی
۱۰۹	نظریه حق و حکمت مضاف ، حق در نظام سازی
۱۰۹	نظریه حق و تعریف عدالت
۱۱۰	نظریه حق و ظلم زورمند
۱۱۰	نظریه حق و نسبتش با ماندگاری
۱۱۰	نظریه حق و اصلاح اشتباهات گذشتگان
۱۱۱	نظریه حق و خروجی اش ، نظریه شاحت
۱۱۱	نظریه حق و انواع علم و عمل
۱۱۱	نظریه حق و تکلیف حوزه و دانشگاه با علم حق
۱۱۳	نظریه حق و رابطه رشته فیزیک و سویت
۱۱۳	نظریه حق و موضع گیری بی مافیای علمی در غرب
۱۱۳	نظریه حق و جسدان در باب واژه ها برگرداندن معنای هر واژه به اصل خودش
۱۱۳	نظریه حق و منای حق بودن خدا
۱۱۳	نظریه حق و تخلیف انسانها با موجودات عالم
۱۱۴	نظریه حق و سنت الهی
۱۱۴	نظریه حق و اسب تناسلی قانونگذاری
۱۱۵	نظریه حق و درک حضور خدا
۱۱۵	نظریه حق و تفاوت نگاه اسلام و مدرنیسم
۱۱۵	نظریه حق و کاربردش در مذاکرات شعلی و روابط اجتماعی
۱۱۶	نظریه حق و زندگی واقعی یا خیالی
۱۱۶	نظریه حق و وزن و میشن درست
۱۱۶	نظریه حق و جایگاه توحید
۱۱۷	نظریه حق و راه حل اتحاد اختلافات فرق اسلامی
۱۱۷	نظریه حق و مدفعل اسلام و ایمان
۱۱۸	نظریه حق و قانون برنامه نویسی کامپیوتری
۱۱۸	نظریه حق و خلق و جعل قرآنی
۱۲۰	نظریه حق و تمایز نگاه به موضوع امتیث
۱۲۰	نظریه حق و نقد فلسفه علم غربی
۱۳۶	نظریه حق و مصف دموکراسی
۱۴۶	نظریه حق و نقش معلمان بشری

۹	نظریه حق (جایگاه پونیک و انحصاری هر موجود در دستگاه خلقت و هر موضوع در نظام معرفت حکمت بیان)
۱۲۱	نظریه حق و موضوع مستورات (آنچه از درک انسان عوام پوشیده است)
۱۲۲	نظریه حق و نقشی نفس اماره هر کس
۱۲۲	نظریه حق و اکبر بودن خداوند
۱۲۲	نظریه حق و نسبت انسان و خدا
۱۲۳	نظریه حق و برداشتهای ساینتیستیک از خدا و دین
۱۲۴	نظریه حق و ثبات مندی ارزشها و معرفت
۱۲۴	نظریه حق و ارزشهای فطری
۱۲۴	نظریه حق و بررسی اثر سیستمی بر انتخاب حق یا باطل
۱۲۵	نظریه حق و بررسی آن در مورد بدن انسان
۱۲۵	نظریه حق و حدود الهی
۱۲۵	نظریه حق و سکولاریته
۱۲۶	نظریه حق و بررسی گفته های تریه
۱۲۶	نظریه حق و بررسی فلسفه از حیث معناری و علم جعفر
۱۲۶	نظریه حق و تقابل به علوم فلسفی مدرن
۱۲۷	نظریه حق و نقد نظر فیلسوف غربی دریدا
۱۲۷	نظریه حق و فرق فیلسوف و نبی
۱۲۸	نظریه حق و مابعد آن
۱۲۸	نظریه حق و سبک زندگی
۱۲۹	نظریه حق و حرد بشری
۱۲۹	نظریه حق و رشد همبندی پیچیدگی جامعه
۱۳۰	نظریه حق و تحله های فکری مدرن
۱۳۰	نظریه حق و پذیرش طرح ریزی خدا برای عالم
۱۳۱	نظریه حق و معیارسنجی رفتارها
۱۳۱	نظریه حق و هنر
۱۳۱	نظریه حق و سبک زندگی
۱۳۲	نظریه حق و فرقه های دین
۱۳۳	نظریه حق و توحید
۱۳۴	نظریه حق و غرب شناسی
۱۳۴	نظریه حق و کاربردش در رسانه
۱۳۴	نظریه حق و کاربرد آن در تصمیم گیری (نظام اندازه گیری ثابت)

۱۳۵	نظریه حق و تصمیم سازی مبتنی بر آن
۱۳۵	نظریه حق و تعریف نظم
۱۳۶	نظریه حق و زیر سوال بردن لیبرالیزم
۱۳۶	نظریه حق و اتوبیای ثابت
۱۳۷	نظریه حق و سوالات جهت دار
۱۳۷	نظریه حق و راز انحطاط تمدنها
۱۳۸	نظریه حق و یونیک بودن مشاغل
۱۳۹	نظریه حق و کارنامه و سابقه افراد
۱۳۹	نظریه حق و تزکیه و تقوا
۱۴۰	نظریه حق و تفاوت اردر و دیسپلین
۱۴۰	نظریه حق و اعلامیه جهانی حق خدا
۱۴۰	نظریه حق و بررسی اختیار و اجبار
۱۴۱	نظریه حق و نقد نظر سروش در باب دین و تکالیف
۱۴۱	نظریه حق و بررسی سیر اجمالی معرفت به خدا در غرب
۱۴۲	نظریه حق و بررسی ظاهر و حقیقت
۱۴۲	نظریه حق و حکمت حضور
۱۴۳	نظریه حق و کاربرد آن در طراحی سازمانهای حکومتی
۱۴۳	نظریه حق و بررسی حدود قانونی و عرفی
۱۴۴	نظریه حق و اصلاح فهم از مبنای حقیقت
۱۴۴	نظریه حق و فرقان و اثرات آن در سیستم سازی حکومتی
۱۴۵	نظریه حق و نفی برداشت پتورالیستیک از کلام خدا
۱۴۶	نظریه حق و جایگاه خاص جنسیت انسانها
۱۴۷	نظریه حق و برداشت غلط غربیها از دین
۱۴۷	نظریه حق و امر به معروف و نهی از منکر
۱۴۸	نظریه حق و تعریف جهل و دلیل بررگزین معجزه بودن قرآن
۱۴۹	نظریه حق و تعریف زیبایی و حسن و لذت و سعادت
۱۴۹	نظریه حق و نتیجه دانستن جای هر پدیده
۱۵۰	نظریه حق و تفسیر نور و ظلمات
۱۵۰	نظریه حق و شناخت جایگاهها در حدیث معروف جنود عقل و جهل
۱۵۳	نظریه حق و مفهوم کمال فراتی

۱۱	نظریه حق (جایگاه یوتیک و انحصاری در موجود در دستگاه خلقت و هر موضوع در نظام معرفت حکمت نباشد)
۱۱۳	نظریه حق و سلور آن در شخص
۱۱۴	نظریه حق و اراده فردی برای تحقق آن
۱۱۵	نظریه حق و تناسب فرد و جایگاه حق و باطل
۱۱۵	نظریه حق و رز ماندگاری باطل
۱۱۵	نظریه حق و ارائه مدلی برای نظام سازی آموزش و پرورش
۱۱۶	نظریه حق و حرکت انبیاء
۱۱۶	نظریه حق و حکمت مضاف آن در انتخابات سیاسی
۱۱۷	نظریه حق و بررسی پدیده جنگ
۱۱۸	نظریه حق و فناوری مبارزه
۱۱۸	نظریه حق و بررسی تبعیت از حدود
۱۱۹	نظریه حق و بررسی جنگ با خدا
۱۶۰	نظریه حق و تفاوت واقعیت علمی و حقیقت
۱۶۰	نظریه حق و بررسی اوضاع سیاسی جهان
۱۶۱	نظریه حق و تعریف عمیق و حقیقت
۱۶۱	نظریه حق و اثر دکترین های ثابت قرآن بر جریانات سادان
۱۶۲	نظریه حق و اهمیت آن
۱۶۲	نظریه حق و اسود هسته
۱۶۴	نظریه حق و سبک زندگی
۱۶۴	نظریه حق و مصالحین اجتماعی
۱۶۵	نظریه حق و بحث خذل و حرام
۱۶۵	نظریه حق و دلیل تذکر به جامعه
۱۶۶	نظریه حق و قابلیت گذاری خداوند
۱۶۷	نظریه حق و خودسناسی
۱۶۷	نظریه حق و رابطه مؤمن با کلام خدا
۱۶۸	نظریه حق و رفتار مردم با امامان جامعه
۱۶۹	نظریه حق و سجده عناصر اصلی عالم به مرکزی ثابت
۱۶۹	نظریه حق و سیر خاص هر انسان
۱۶۹	نظریه حق و یکسانی فهم در همه مردم
۱۷۰	نظریه حق و رابطه اش با تکلیف
۱۷۱	نظریه حق و رابطه شخصیت افراد با کاری که می کنند

۱۷۱	نظریه حق و بررسی تعارضهای شخصیتی
۱۷۳	نظریه حق و دلیل یکتایی مدل و نظام حکمت بنیان
۱۷۳	نظریه حق و نامه اعمال پادشاه دنیوی و اخروی عمل
۱۷۳	نظریه حق و کاربرد آن در تحزب
۱۷۳	نظریه حق و یکی از مصادیق کاربردی (زمان به مرکز گرینویچ)
۱۷۴	نظریه حق و قبله یونیک (یکتا) و انحصاری
۱۷۴	نظریه حق و کارکرد دین
۱۷۴	نظریه حق و حل مسئله اختلاف سلیقه
۱۷۵	نظریه حق و جبر و اختیار
۱۷۵	نظریه حق و بررسی امثله جهانی در مورد قانون
۱۷۸	نظریه حق و احادیث از زبان حق
۱۷۹	فروق یکجانبه گرایی و حق گرایی
۱۷۹	نظریه حق و اصالت حق یا شخص
۱۸۰	نظریه حق و آسیب شناسی مدعیان آن (بررسی نوری، احمدی نژاد)
۱۸۱	نظریه حق و میز به با نسبی گرایی
۱۸۱	نظریه حق و استاندارد دو طرفه
۱۸۳	نظریه حق و تکلیف حق گرا
۱۸۳	نظریه دین و روش آموزشی از مون و خطا
۱۸۳	نظریه حق و مبنای مکتب آموزشی
۱۸۳	نظریه حق و دلیل عدم فهم حق توسط برخی از عوام
۱۸۳	نظریه حق و حرکت های اجتماعی
۱۸۴	نظریه حق و شاخص زیرکی
۱۸۴	نظریه حق و شاخص نجات
۱۸۴	نظریه حق و انفکاک آن از اهل حق و اهل باطل
۱۸۵	نظریه حق و تسبیح با شاخص عقل
۱۸۵	نظریه حق و بقا مندی تمدن و قوم
۱۸۶	نظریه حق و دوفطبی حق و باطل در سیاست
۱۸۶	نظریه حق و مقابله با التقاط
۱۸۶	نظریه حق و تعریفی از مسلمانی
۱۸۷	قیمت ما چقدر است ؟ یا قیمت فروختن حق چقدر است ؟

۱۳	نظریه حق (جایگاه یونیک و انحصاری در موجود در دستگاه خلقت و هر موضوع در نظام معرفت حکمت بنیان)
۱۸۷	مقاله: حق چیست و چگونه می‌توان تابع حقیقت بود؟
۱۸۸	نظریه حق و نیافتادن در دام مطلق گرایی احزاب و گروه‌ها و مردم
۱۸۹	تعریف حق و باطل از زبان نهج البلاغه
۱۹۰	مقاله حق و باطل از دیدگاه امام علی علیه السلام
۱۹۹	مقاله حق چیست و مقدار کیست؟!
۱۹۵	راه‌های شناخت حق از باطل
۲۰۰	مقاله دنیای شبهات و امیختگی حق و باطل
۲۰۱	مقاله تقابل حق و باطل
۲۰۲	مقاله راه‌های شناخت حق از باطل
۲۰۵	مقاله چگونه تشخیص حق از باطل را در دیدگاه قرآن بیان کنید؟
۲۰۶	مقاله چگونه میتوان حق و باطل را از هم تشخیص داد؟
۲۰۷	مقاله شاخص‌ها و معیارهای تشخیص حق از باطل
۲۰۸	مقاله شاخصه‌های شناخت حق از باطل
۲۱۲	مقاله ملاک تمیز حق و باطل از دیدگاه قرآن کریم
۲۱۶	مقاله روش قرآن در شناساندن حق و باطل
۲۳۱	مقاله تعریف حق (متن نقلی از دکتر احمد بهشتی)
۲۳۲	معنای اصطلاحی
۲۳۵	حق حقایق
۲۳۷	۳. حقوق تقدم و تعقيب
۲۳۷	۴. حق معنوی

این موضوع در ادامه کتاب فرضیه شجره و خلقت نخستین انسان‌ها، که مفصل در مورد ابطال داروینیسیم صحبت شده بود، ارائه می‌گردد. می‌خواهیم با گذر از موضوع خلقت یا سیر تغییرات خودبه‌خودی (داروینیسیم)، و با یقین به مخلوق خدا بودن این جهان و هر چه در آن است، وارد شاخه‌های علوم شویم.

در آنجا اثبات کردیم که خلقت انسان کاملاً یونیک و انحصاری و بی‌همتا بوده است و از اول اول، انسان، انسان خلق شده و میمون، میمون و خداوند به هر یک از این دو و به طور کلی به همه موجودات عالم جایگاه یکنایی را در کلیت دستگاه خلقت اختصاص داده است، که این نظام جایگاه‌ها هزاران سال برقرار بوده و اثلاً وضعیت نرمال و طبیعی یعنی گردش امور طبق نظام خلقی از قبل تعریف و تعیین شده.

بهترین مفاهیم بین پژوهشگران مختلف زمانی به وجود می‌آید که همه افراد درگیر با موضوع، چهارچوب مفهومی درست و مشخص و ثابتی داشته باشند، لذا در ابتدا کلمات کلیدی را از منظر و کلام الله بررسی می‌کنیم و سعی می‌کنیم فهم خود را تا درک این نعمت و کاربردش در آیات مختلف بالا ببریم. ان شاء الله با تمسک به این معجزه جاری و حاوید به فهم مشترک از موضوع برسیم. که این امر خود به خود ۹۰ درصد مسئله ما را در تبیین چهارچوب نظری حل می‌کند.

وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَنْتَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ (المؤمنون ۷۱)

و اگر حق از هوسهای آنها پیروی کند، آسمانها و زمین و همه کسانی که در آنها هستند تباه می‌شوند! ولی ما قرآنی نه آنها دادیم که مایه یادآوری (و عزت و شرف) رای آنها است، اما آنان از (آنچه مایه) یادآوری‌شان (است) رویگردانند!

حق و ستمگانه‌گی در کلام الله

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَغُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا بَضَلٌ بِهِ كَثِيرٌ وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرٌ فَأَصْلٌ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ (البقرة ۲۶)

خداوند از این که (به موجودات ظاهراً کوچکی مانند) پشه، و حتی کمتر از آن، مثال بزند شرم نمی‌کند. (در این مثال) آنان که ایمان آورده‌اند، می‌دانند که آن، حقیقتی است از طرف پروردگارشان؛ اما آنها که راه کفر را پیموده‌اند، این موضوع را بهانه کرده) می‌گویند: «منظور خداوند از این مثل چه بوده است؟» (ری)، خدا! جمع زیادی را با آن همراه و گروه بسیاری را هدایت می‌کند؛ ولی تنها فاسقان را با آن گمراه می‌سازد!

وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (البقرة ۴۲)

و حق را با باطل نیامیزید! و حقیقت را با اینکه می‌دانید کتمان نکنید!

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُصِيرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِئُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصِلِهَا قَالَ اتَّبِعُوا لِي هُوَ الَّذِي هُوَ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْبَطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبِ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (البقرة ۶۱)

و (نیز به خاطر بی‌اوردی) زمانی را که گفتید: «ای موسی! هرگز حاضر نیستیم به یک نوع غذا اکتفا کنیم! از خدای خود بخواه که از آنچه زمین می‌رویانند، از سبزیجات و خیار و سیر و عدس و پیازش، برای ما فراهم سازد.» موسی گفت: «ایا غذای پست‌تر را به جای غذای بهتر انتخاب می‌کنید؟! (اکنون که چنین است، بکوشید از این بیابان) در شهری فرود آید؛ زیرا هر چه خواستید، در آنجا برای شما هست.» و (مهر) ذلت و نیاز، بر پیشانی آنها زده شد؛ و باز گرفتار خشم خدائی شدند؛ چرا که آنان نسبت به آیات الهی، کفر می‌ورزیدند؛ و پیامبران را به ناحق می‌کشتند. اینها به خاطر آن بود که گناهکار و متجاوز بودند.

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَّا شَيْءَ فِيهَا قَالُوا لَئِنْ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَدَذِّبُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ (البقرة: ۷۱)

گفت: خداوند می فرماید: «گاوی باشد که نه برای شخم زدن رام شده؛ و نه برای زراعت آبکشی کند؛ از هر عیسی برکنار باشد، و حتی هیچ گونه رنگ دیگری در آن نباشد.» گفتند: «[ان حق مطلب را آوردی!] سپس (چنان گاوی را پیدا کردند) و آن را سر بریدند؛ ولی مایل نبودند این کار را انجام دهند.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا تَأْتِلُونَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (البقرة: ۹۱)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «به آنچه خداوند نازل فرموده، ایمان بیاورید!» می گویند: «ما به چیزی ایمان می آوریم که بر خود ما نازل شده است.» و به غیر آن، کافر می شوند؛ در حالی که حق است؛ و آیاتی را که بر آنها نازل شده، تصدیق می کند. بگو: «اگر (راست می گویند، و به آیاتی که بر خودتان نازل شده) ایمان دارید، پس چرا پیامبران خدا را بیش از این، به قتل می رساندید؟!»

وَكَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا كَثِيرًا حَسْبُكَ مَنْ عِنْدَ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا نَبِئَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتَصُوا وَامْنَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (البقرة: ۱۰۹)

بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد - که در وجود آنها ریشه دوانده - آرزو می کردند شما را بعد از اسلام و ایمان، به حال کفر باز گردانند؛ با اینکه حق بری آنها کاملاً روشن شده است. شما آنها را عفو کنید و گذشت نمایید؛ تا خداوند فرمان خودش (فرمان جهاد) را بفرستد؛ خداوند بر هر چیزی تواناست.

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ مِنَ الْحِجَابِ الْجَحِيمِ (البقرة: ۱۱۹)

ما تو را به حق، برای بشارت و بیم دادن (مردم جهان) فرستادیم؛ و تو مستول (گمراهی) دوزخیان (پس از ابلاغ رسالت) نیستی!

الَّذِينَ آمَنُوا هُمُ الْخَاسِرُونَ (البقرة: ۱۲۱)

کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده ایم = یهود و نصاری! آن چنان که شایسته آن است می خوانند؛ آنها به پیامبر اسلام ایمان می آورند؛ و کسانی که به او کافر شوند، زیانکارند.

قَدْ تَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (البقرة: ۱۴۴)

نگاه های انتظار امیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله نهایی) می بینم! اکنون تو را به سوی قبله ای که از آن خوشود باشی، باز می گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن! و هر جا باشید، روی خود را به سوی آن بگردانید! و کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده، بخوبی می دانند این فرمان حقی است که از ناحیه پروردگارشان صادر شده؛ (و در کتابهای خود خوانده اند که پیغمبر اسلام، به سوی دو قبله، نماز می خواند). و خداوند از اعمال آنها (در مخفی داشتن این آیات) غافل نیست!

الَّذِينَ آمَنُوا هُمُ الْخَاسِرُونَ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (البقرة: ۱۴۶)

کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده ایم، او [پیامبر] را همچون فرزندان خود می شناسند؛ (ولی) جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می کنند!

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (البقرة: ۱۴۷)

این (فرمان تغییر قبله) حکم حقی از طرف پروردگار توست، بنابراین، هرگز از تردیدکنندگان در آن می باش!

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَتَرَاهُ لِلْحَقِّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (البقرة: ۱۴۹)

از هر جا (و از هر شهر و نقطه‌ای) خارج شدی، (به هنگام نماز)، روی خود را به جانب «مسجد الحرام» کن! این دستور حق از طرف پروردگار توست! و خداوند، از آنچه انجام می‌دهید، غافل نیست!

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (البقرة: ۱۷۶)

اینها، به خاطر آن است که خداوند، کتاب (آسمانی) را به حق، (و توأم با نشانه‌ها و دلایل روشن)، نازل کرده؛ و آنها که در آن اختلاف می‌کنند، (و با کتمان و تحریف، اختلاف به وجود می‌آورند)، در شکاف و (پراکندگی) عمیقی قرار دارند.

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْأُولَادِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (البقرة: ۱۸۰)

بر شما نوشته شده: «هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر چیز خوبی [= مالی] از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان، بطور شایسته وصیت کند! این حق است بر پرهیزکاران!»

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُخَيِّمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (البقرة: ۲۱۳)

مردم (در آغاز) یک دسته بودند؛ (و تضادی در میان آنها وجود نداشت، بتدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آنها پیدا شد، در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت، تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آنها نازل نمود؛ تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. (افراد) بالیمان، در آن اختلاف نکردند؛ تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، و نشانه‌های روشن به آنها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق، متمردی، در آن اختلاف کردند. خداوند، آنها را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش، رهبری نمود. (اما افراد بی‌ایمان، همچنان در گمراهی و اختلاف، باقی ماندند.) و

خدا، هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند.

وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لِهِنَّ أَنْ يَكُنَّ فِي مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبَعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَئِنْ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (البقرة: ۲۲۸)

زنان مطلقه، باید به مدت سه مرتبه عادت ماهانه دیدن (و پاک شدن) انتظار بکشند! [= عده نگه دارند] و اگر به خدا و روز رستاخیز، ایمان دارند، برای آنها حلال نیست که آنچه را خدا در رحم مادرشان آفریده، کتمان کنند، و همسرانشان، برای بازگرداندن آنها (و از سرگرفتن زندگی زناشویی) در این مدت، (از دیگران) رها نکنند؛ در صورتی که (براستی) خواهان اصلاح باشند. و برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته، برقرار داده شده؛ و مردان بر آنان برتری دارند؛ و خداوند توانا و حکیم است.

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ (البقرة: ۲۳۶)

اگر زنان را قبل از آمیزش جنسی یا تعیین مهر، (به عللی) طلاق دهید، گناهی بر شما نیست. (و در این موقع)، آنها را (با هدیه‌ای مناسب)، بهره‌مند سازید! آن کس که توانایی دارد، به اندازه تواناییش، و آن کس که تنگدست است، به اندازه خودش، هدیه‌ای شایسته (که مناسب حال دهنده و گیرنده باشد) بدهد! و این بر نیکوکاران، الزامی است.

وَاللِّمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (البقرة: ۲۴۱)

و برای زنان مطلقه، هدیه مناسبی لازم است (که از طرف شوهر، پرداخت گردد). این، حق است بر مردان پرهیزکار.

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ ابْتَلَاكُمْ بِرِزْقِهِ فَمَا أَتَى الْعِلْمَ وَالْجِسْمَ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَةً مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (البقرة: ۲۴۷)

و پیامبران به آنها گفت: «خداوند (*طالوت*) را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است.» گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، یا اینکه ما از او شایسته تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟!» گفت: «خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواند، می بخشد؛ و احسان خداوند، وسیع است؛ و (از لیاقت افراد برای منصبها) آگاه است.»

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْتُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (البقرة: ۲۵۲)

اینها، آیات خداست که به حق، بر تو می خوانیم؛ و تو از رسولان (ما) هستی. یا ایها الذین آمنوا إذا نذائتم بدینا إلی أجلٍ مُّسمًی فَاكْتُبُوهُ وَلِیَكُنَّ بَیْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا یَأْب كَاتِبٌ أَنْ یَكْتُبَ كُنَّا عَلَمُهُ اللَّهُ فَلَیَكْتُبْ وَلِیُمِثِّلِ الَّذِی عَلَیْهِ الْحَقُّ وَلِیُتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا یَبْخُسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِی عَلَیْهِ الْحَقُّ سَفِیْهًا أَوْ ضَعِیفًا أَوْ لَا یَسْتَطِيعُ أَنْ یَمِثْلَ هُوَ قَلِیْمٌ وَلِیْهِ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِدَیْنِ مِنْ رَجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ یَكُونَا رَجُلَیْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا یَأْب الشَّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى آخِلِهِ ذَلِكُمْ أَوْفَی عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَى أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَیْنَكُمْ فَلَیْسَ عَلَیْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا یَضُرَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِیدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَیَعْلَمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِیمٌ (البقرة: ۲۸۲)

ای کسانی که ایمان آورده، هنگامی که بدهی مدت داری (به خاطر وام یا داد و ستد) به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید؛ و باید نویسنده ای از روی عدالت (مندر) در میان شما بنویسد؛ و کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشتن -همان طور که خدا به او تعلیم داده- سر داری کند؛ پس باید بنویسد، و آن کس که حق بر عهده اوست، باید املا کند، و از خدا که پروردگار اوست بپرهیزد، و چیزی را فروگذار ننماید؛ و اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفید (یا از نظر عقل) ضعیف (و مجنون) است، یا (به خاطر ابله بودن) توانایی بر املا کردن ندارد، باید ولی او (به جای او) با رعایت عدالت، املا کند؛ و دو نفر از مردان (عادل) خود را برای حق شاهد بگیرید؛ و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید؛ و از این دو زن، باید با هم شاهد قرار گیرند، تا اگر یکی انحرافی یافت، دیگری به او یادآوری کند، و شهود نباید به هنگامی که آنها را (برای شهادت) دعوت می کنند، خودداری نمایند؛ و از نوشتن (بدهی خود)، چه کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوند، هر چه باشد بنویسید؛ این، در نزد خدا به عدالت نزدیکتر، و برای شهادت مستقیم تر، و برای جلوگیری از تردید و شک در نژاد و گفتگو بهتر می باشد؛ مگر اینکه داد و ستد نقدی باشد که بین خود، دست به دست می کنید. در این صورت، کسی را شما نیست که آن را بنویسید، ولی هنگامی که خرید و فروش (نقدی) می کنید، شاهد بگیرید؛ و نباید به نویسنده و شاهد، به خاطر حق گوئی، زبانی برسد (و تحت فشار قرار گیرند)؛ و اگر چنین کنید، از فرمان پروردگار خارج شده اید. از خدا بپرهیزد؛ و خداوند به شما تعلیم می دهد؛ خداوند به همه چیز داناست.

نُزِّلَ عَلَیْكَ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَیْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ (آل عمران: ۳)

(همان کسی که) کتاب را بحق بر تو نازل کرد، که با نشانه های کتب پیشین، منطبق است؛ و «تورات» و «انجیل» را. إِنْ الذِّیْنَ یَكْفُرُونَ بِآیَاتِ اللَّهِ وَیَقْتُلُونَ النَّبِیْنَ بِغَیْرِ حَقٍّ وَیَقْتُلُونَ الَّذِیْنَ یَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِیمٍ (آل عمران: ۲۱)

کسانی که نسبت به آیات خدا کفر می ورزند و پیامبران را بناحق می کشند، و (نیز) مردمی را که امر به عدالت می کنند به قتل می رسانند، و به کفر دردناک (الهی) بشارت ده!

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِینَ (آل عمران: ۶۰)

اینها حقیقتی است از جانب پروردگار تو؛ بنابراین، از تردید کنندگان مباش!

إِنْ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَكِیمُ (آل عمران: ۶۲)